

Abstract

The concept of good governance was introduced at the beginning of the ۱۹۸۰s. In the ۱۹۹۰s, international organizations, including the World Bank, the United Nations Development Program, and the UNHCR, sought to clarify and enumerate governance indicators. With the unity of the criterion of repetition of indicators in these studies, we chose ten components as frequent and important indicators to consider a good title for governance. Examining the key statements of the ۱۷۷ principles of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, we examined the degree of repetition of these indicators. The various principles of this law have been taken into account. Among these, the indicators of rule of law, participation and accountability and responsibility have the highest and transparency, efficiency and effectiveness, central agreement have the least repetition. Therefore, paying attention to the rule of law through the participation of the people, while emphasizing the accountability and responsibility of the pillars of the government, is the dominant thought in drafting the constitution. This research has paid attention to the content of the constitution by using library and documentary sources in a descriptive-analytical method

Keywords:

Constitution of the Islamic Republic of Iran, Good Local Governance, Government, Local Management, Decentralization

ماهنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره یازدهم، بهمن ۱۴۰۱، صص ۶۱۴۷-۶۱۲۰

بررسی گزاره های کلیدی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تطبیق با الگوواره حکمروایی خوب محلی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱۲

مهدی بالوی^۱

حسن دشتی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۴

جواد میرقاسمی^۳

چکیده

مفهوم حکمروایی خوب همزمان با آغاز دهه ۱۹۸۰ میلادی مطرح گردید. در دهه ۱۹۹۰ میلادی سازمان های بین المللی از جمله بانک جهانی، برنامه توسعه سازمان ملل متحد، برنامه اسکان بشر در تبیین و برشمردن شاخص های حکمروایی تلاش نمودند. با وحدت ملاک از تکرار شاخص ها در این مطالعات، مولفه های ده گانه ای را به عنوان شاخص های پرتکرار و مهم برای قلمداد نمودن عنوان خوب برای حکمروایی برگزیدیم. با بررسی گزاره های کلیدی اصول ۱۷۷ گانه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران میزان تکرار این شاخص ها را بررسی نمودیم، مشاهده شد، تدوین کنندگان قانون اساسی همزمان با طرح موضوعات مربوط به حکمروایی در جهان با بینشی عمیق شاخص های آن را با تکرار و تاکید در اصول مختلف این قانون فرادست مورد توجه قرار داده اند. در این میان شاخص های حاکمیت قانون، مشارکت و پاسخگویی و مسئولیت بیشترین و شفافیت، کارآیی و اثربخشی، وفاق محوری کمترین تکرار را داشته اند. بنابراین توجه به حاکمیت قانون از طریق مشارکت مردم ضمن تاکید بر پاسخگویی و مسئولیت ارکان حکومت تفکر غالب در تدوین قانون اساسی می باشد. این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه ای و اسنادی به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی محتوایی قانون اساسی توجه نموده است.

واژگان کلیدی: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حکمروایی خوب محلی، حکومت، مدیریت محلی، تمرکز زدایی

۱- دانشیار گروه حقوق بین الملل و عمومی پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران .

۲ گروه حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

۳ استادیار گروه حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

مقدمه

در گذشته تقسیم بندی های مربوط به حوزه حکومت در ادبیات سیاسی-حقوقی صرفا بر اساس میزان مداخله دولت در امور مختلف بود. تقویت اندیشه لیبرال اعتقاد به دولت حداقلی و پررنگ شدن تفکر سوسیالیستی تمایل به دولت حداکثری را سبب می شد. تجربه تاریخی جوامع امروز و افزایش سطح آگاهی و مطالبات مردم در مواجهه با دولت ها سبب تحول این گفتمان شده است. امروزه اندیشمندان و نهاد ها از تعبیر و ادبیاتی که صرفا بیانگر نقش دولت می باشد عبور نموده و به مفهوم حکمروایی خوب استناد می کنند.

جوهره حکمروایی وجود روابط متعامل بین و درون حکومت و نیرو های غیر حکومتی است. حکمروایی تلویحا به معنی اقدام مشترک و بنابراین وجود اهداف مشترک، چهارچوب های ارزشی و قواعد مشترک، تعامل پیوسته برای دستیابی به منفعت جمعی است که از طریق انجام اقدام های انفرادی قابل حصول نیست. حکمروایی به روابط بین دولت و جامعه مدنی، حاکمان و حکومت شوندهگان، مدیریت و حکومت مربوط است. (Rakodi, ۲۰۰۱:۵۲۴)^۱

مفهوم حکمروایی خوب مدلی از حکومت کردن است که سعی می شود از ظرفیت های رسمی و غیر رسمی از جمله استفاده از ظرفیت جامعه مدنی برای اداره بهتر امور جامعه بهره گیری شود. پیش از آنکه مفهوم حکمروایی خوب مورد توجه متون سیاسی-حقوقی توسط اندیشمندان و سازمان های بین المللی روزگار معاصر قرار گیرد، بعضی از شاخص های حکمروایی خوب در سطح محلی با طرح ریزی انجمن های ایالتی و ولایتی در اصول ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳ قانون اساسی مشروطه و متمم آن که نشأت گرفته از خواست و مطالبه قلبی مردم بود، در ایران به تحقق پیوسته بود. در ادامه با وقوع انقلاب اسلامی ضمن پذیرش شوراها به عنوان ارکان تصمیم گیر و اداره امور کشور در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نهایتا به استقرار عملی این نهاد حکمروایی خوب محلی در سال ۱۳۷۷ منجر شد. قانون اساسی به عنوان قانون مادر ضمن تنظیم روابط حاکمان و شهروندان به تضمین حقوق آزادی های شهروندان می پردازد.^۲

(Rahimi&Shakeri, ۲۰۱۶:۶۴)

توجه و پیاده سازی منویات قانون اساسی به عنوان الزامی برای همه اشخاص و نهاد ها ضرورتی گریز ناپذیر است. از اینرو میزان ضرورت تحقق شاخص های حکمروایی خوب محلی در حیطه عمل در وهله نخست به ظرفیت های موجود در قانون اساسی بستگی دارد. لذا از بررسی گزاره ها و عبارات کلیدی مقرر شده در اصول قانون اساسی از زاویه نگاه حکمروایی خوب در سطح محلی در این مقاله در پی پاسخگویی به این پرسش ها می باشیم:

۱- شاخص های حکمروایی خوب در سطح محلی چیست؟

۲- شاخص های حکمروایی خوب محلی از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چه میزان و چگونه مورد توجه قرار گرفته است؟

۱. C.Rakodi.c.(Forget planning. Put politics first ? Priorities for urban manage ment in developing countries) journal of JAG۱.vol

۳,۲۰۰۱. P.۵۲۴

۲.Roohollah Rahimi, &hamid shakeri (۲۰۱۶). Reflection on corruption of judicial system and offer solutions for its health promotion.journal Internationalpolitical and law. Vol.۲.No.۲۷.(۲۰۱۶)p.۶۴

تاکنون پژوهش های متعددی در خصوص حکمروایی خوب در حوزه های مختلف مانند: اقتصاد، علوم سیاسی، مدیریت، جغرافیا و برنامه ریزی شهری، شهر سازی و حقوق صورت پذیرفته است، از جمله پژوهش هایی که ارتباط نسبی با موضوع حاضر دارند می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- در پژوهشی که به صورت مقاله در فصلنامه ژئوپلیتیک در سال ۱۳۹۱ با عنوان «ارائه الگوی مناسب حکمروایی خوب روستایی در ایران» توسط عبدالرضا رکن الدین افتخاری و همکاران به چاپ رسیده است مشخص گردید که حکمروایی خوب روستایی در اکثر روستا های مورد مطالعه از وضعیت مناسبی برخوردار نبوده است.

- هم چنین مقاله دیگری با عنوان « جایگاه حکمروایی خوب برنامه ریزی شهری طرح متروی تهران» توسط صرافی و همکاران صورت پذیرفته، حکمروایی خوب تنها راه خروج از بن بست فقر و توسعه نیافتگی تلقی می شود و مدیریت سطح محلی نیز گریزی از آن ندارد.

- در مقاله «راهبردهای استقرار نظام حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران» توسط آخوندی و برک پور به چاپ رسیده در نشریه راهبرد، تلاش برای تحقق حکومت یا نظام حکمروایی به اتخاذ چارچوب های هماهنگ و یکپارچه به منظور کاستن از اثرات سوء تفرق سیاسی و تمرکز زدایی از سطوح ملی، استانی و محلی منوط شده است.

- پایان نامه کارشناسی ارشد علی زیرک فرشه با موضوع «تبیین حکمروایی شهری بر توسعه انسانی (مطالعه موردی شهر مشهد)» سال ۱۳۹۵ دانشگاه علامه طباطبایی، این پژوهش همبستگی و ارتباط موثر بین شاخص های حکمروایی خوب به ویژه مشارکت و پاسخگویی با شاخص توسعه انسانی نتیجه شده است.

- پایان نامه کارشناسی ارشد با موضوع «نهاد های مدنی و حکمرانی خوب» سال ۱۳۹۱ دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، در این پژوهش نهاد های مدنی موجب شکل دهی و ارتقاء مولفه های حکمرانی خوب تلقی شده است.

- رساله دکتری تخصصی رشته علوم سیاسی با موضوع «از حکومت دموکراتیک به حکمروایی دموکراتیک در پایان قرن بیستم» مهرماه ۱۳۸۸ در این پژوهش مدل حکمروایی از طریق امکان مشارکت فعال از راه شبکه وب در عرصه جامعه مدنی پیشنهاد شده است.

اغلب این پژوهش ها یا از نوع کاربردی به صورت موردی و با تمرکز به حوزه فضایی محدود به یک شهر یا محله نضج یافته است و یا به صورت موردی به یک جنبه از معیار های حکمروایی یا جنبه یا نگاهی محدود به مبانی پرداخته اند از اینرو در این نوشتار در پی آنیم که بتوانیم معیارهای حکمروایی خوب را با تاکید بر محلی بودن آن تبیین نماییم پس از آن با تمرکز بر استخراج گزاره های کلیدی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مرتبط با شاخص های تبیین شده، دیدگاه و نگاه قانون اساسی را به این شاخص ها منعکس نماییم و در نهایت پیشنهاد هایی را با توجه به ظرفیت های مستتر در قانون اساسی نتیجه گیری و ارائه نماییم. لذا از این منظر موضوع مورد بررسی جدید و بدیع می باشد.

۱. الگوواره حکمروایی خوب محلی

اگر چه کاربرد مفهوم حکمروایی محلی از اواخر دهه ۱۹۸۰ و از آفریقا آغاز گردید، اما براین مک‌لارین اولین نظریه پردازی است که در سال ۱۹۷۳ به این مفهوم پرداخته است. از نظر او «حکومت» مجموعه‌ای از نهادهای رسمی و حقوقی با قدرت قانونی است، اما «حکمروایی» نوعی فرآیند است. این فرآیند متضمن نظام به هم پیوسته‌ای است که هم حکومت و هم اجتماع را در بر می‌گیرد. حکمروایی محلی مجموع تمام اشخاص و نهادها، بخش‌های خصوصی و عمومی، برنامه‌ریزی و مدیریت امور مشترک شهر می‌باشد. این امر یک روند مداوم است که از طریق آن منافع متفاوت و درگیر باهم ممکن است اقدامات مشترک و یکسان را در برداشته باشد. این نوع حکمروایی شامل نهادهای رسمی و هم چنین بخش‌های غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان می‌شود. (UN-HABITAT, ۲۰۰۲:۱۴)^۱

در حقیقت حکمروایی دلالت بر مجموعه جدیدی از فعالیت‌هایی دارد که درک سنتی از حکومت و مدیریت دولتی را به چالش می‌کشد. (Miller, ۲۰۰۱)^۲ در تعریف نظری، حکمروایی یک گام جلوتر از حکومت است. حکومت یک نهاد است و عناصر تأثیرگذار در اداره جامعه محلی باید وارد تعامل و فعالیت مشترک شوند در حالی که حکمروایی یک فرآیند تعاملی است که میان نهاد رسمی حکومتی و عناصر دیگر، شکل می‌گیرد و سیاست‌ها و تصمیم‌ها از دل این تعامل برمی‌خیزد. (Barakpour et al, ۱۳۸۶:۱۲)^۳

با ورود حکمروایی محلی رابطه تعاملی و هم‌افزا گونه‌ی حکومت محلی یا بخش خصوصی، تشکل‌های غیردولتی و آحاد شهروندان برای رسیدن به کیفیت زندگی بهتر و بهره‌مندی از حیات شهری پایدار مورد توجه قرار گرفته است. حکمروایی شهری و محلی مطلوب منافاتی با مدیریت دولتی نوین ندارد و نباید آن را نقطه مقابل نهضت مدیریت‌گرایی و مدیریت دولتی نوین فرض کرد. در حقیقت در پارادایم نوین حکمروایی خوب، ارزش‌های خوب مدیریت‌گرایی و مدیریت دولتی نوین از یک دیدگاه وسیع‌تر و از لحاظ سازگاری با آرمان مشترک تمامی ذینفعان و بازیگران عرصه مدیریت محلی مورد توجه قرار می‌گیرند. و اولویت‌ها و مسائل محلی در یک فرآیند همکاری جمعی، شناسایی و برای حل مشکلات و رسیدن به حیات شهری پایدار از مشارکت تمامی بخش‌های جامعه محلی استفاده می‌شود.^۴

حکمروایی محلی متضمن مولفه‌هایی است که در صورت تحقق به توسعه پایدار شهری می‌انجامد. از سویی نیز توسعه پایدار شهرها در صورتی تحقق می‌یابد که اهداف مردم‌سالاری، برابری در خدمات‌رسانی و حفظ محیط زیست با شکل‌گیری مدیریت واحد محلی و با رعایت اصول، علوم روز شهرسازی و تقسیم عادلانه منابع و درآمد شهری توأمان دنبال شود. با توجه به وضعیت موجود شهرنشینی چند سطحی، مدیریت شهری بایستی دارای ویژگی‌هایی چون شفافیت، پاسخگویی، مشارکت‌طلبی، قانون‌مداری، کارآمدی و اجماع‌گرایی باشد تا پاسخگویی مناسبی

۱. UN-HABITAT; The Global Campaign on Urban Governance, concept paper, 2nd Edition, Nairobi-۲۰۰۲-p. ۱۴

۲. w.miller. models of local governance: public opinion and political theory in britian-۲۰۰۱

۳. ناصر برک پور و همکاران، حکمروایی شهری، مبانی نظری و ضرورت‌های شکل‌گیری آن در ایران، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۲۰-۱۹، ۱۳۸۶، ص ۱۲

۴. حامد رستگار و حمید رضا محملی، حکمروایی خوب ابزاری برای تغییر کارکرد شهرداری‌ها، همایش نقش و جایگاه مدیریت محله و شوراباری‌ها در ارتقای مشارکت اجتماعی،

برای شهرنشینی موجود باشد. به موازات آن، شدت یافتن روز افزون مقیاس و گستردگی و نیز پیچیدگی مسائل شهرها و همچنین آشکار شدن بی کفایتی سیستم های سنتی بوروکراتیک و تصمیم گیری بالا به پایین، سبب شد تا نوعی گرایش به سوی سیستم هایی به وجود آید که در آن تصمیمات بزرگ و کوچک با اشتراک بین صاحبان منافع شهری اتخاذ می شوند.^۱

بخشی از نمونه های حکمروایی در سطح محلی عبارتند از تعاونی ها و همیاری ها در واحد های همسایگی، طرح شورای شهر و همکاری ساکنان محل برای حفاظت از محیط زیست.^۲

حکمروایی محلی	حکومت محلی
رهبری شبکه ها و مشارکت ها	رهبری سازمانی
توسعه اجتماع ها	توسعه سازمان ها
ایجاد مجموعه ای از ارزش ها که با انتظارات شهروندان، شرکت ها، شرکا و دیگر ذی نفعان سازگار است	ایجاد مجموعه ای از ارزش ها و حس هدایت که میدان را برای استقلال و خلاقیت فردی و مدیران میانی و کارکنان فراهم می کند.
«فعالیت سیاسی»، ایجاد توازن در منافع استراتژیک	سیاست و استراتژی
فعال کردن اجتماع مدنی (از طریق اطلاعات، مشاوره . مشارکت)	تمرکز بر نیاز های مشتریان
طرح های دراز مدت، طرح های بودجه سرمایه ای	طرح های سالیانه، تمرکز بر هزینه جاری
مدیریت بازار کار و مفاهیم آن	مدیریت افراد
آماده سازی بودجه های محلی با مشارکت فعال اعضای انجمن شهر، از جمله نمایندگان جامعه	قاعده سازی بودجه به صورت رویه بالا به پایین (با سقف های ثابت بر اساس هزینه های کل)
مدیریت بهینه شده فرآیند ها فراتر از مرز های سازمانی، از جمله روابط بین حکومتی و محدودیت ها	فرآیند بهبود داخلی (مهندسی مجدد فرآیند کسب و کار)
سنجش عملکرد چند بعدی	سنجش نتایج ذهنی و عینی
مدیریت منابع و دانش	مدیریت منابع
-«شفافیت مالی» به منظور ارتباط با ذی نفعان خارجی (کسب و کار، شهروندان، رسانه ها و غیره) برای ارزش در مقابل پول فعالیت ها	-گزارش دهی شفاف مالی -بهبود کارآیی فنی

۱. علی عسگری، طرح طراحی نظام جامع مدیریت مجموعه های شهری کشور، پژوهشکده شهری و روستایی، مرحله اول، ۱۳۷۸، ص ۱۳۴

۲. Judith Tandler-Good, government in the trophies. Baltimore ma John Hopkins- university press-۱۹۹۷:۶۵

حکومت محلی	حکمروایی محلی
در اختیار قرار دادن فناوری اطلاعات برای تمامی کارکنان به منظور تقویت میزان کارایی	-بهبود کارایی اجتماعی، از جمله توزیع منصفانه بودجه و خدمات -تولید و حفظ دانش جدید از طریق مدیریت دانش برای کارکنان و هم برای دیگر ذی‌نفعانی که با سازمان در تعامل اند(از جمله فراهم سازی فناوری اطلاعات برای تمامی ذی‌نفعان به منظور بهبود اثر بخشی
رقابت برای اموری که به مناقصه/مزایده گذاشته شده اند	-مدیریت قرارداد های چند گانه و روابط تامین کننده، ایجاد و حفظ مشارکت های مسئولیت پذیر با مصرف کنندگان، انجمن ها و دیگر سازمان ها در صورت مقتضی(مشارکت در ارائه خدمات با مصرف کنندگان، انجمن ها و سایر ذی‌نفعان)
-سیستم های گزارش دهی مبتنی بر نیاز های مدیران عمومی و نهاد های نظارتی حکومت -نتایج بهینه کاوی، فرآیند های داخلی یا عملکرد سازمانی با نتایج دیگر مسئولان محلی -استفاده از اطلاعات عملکردی برای مقاصد کنترلی	-انتشار اطلاعات مربوط به عملکرد بر اساس نیاز های ذی‌نفعان در انجمن(گزارش دهی، اجتماعی، قومی و محیط زیستی) -شرکت گروه ها در تعریف استاندارد های عملکرد در برابر دیگر انجمن ها -تشویق به نوآوری و فراگیری در سطوح چند گانه(فردی، سازمانی، شبکه ها)
-بهبود کارایی داخلی مسئولان محلی -افزایش میزان رضایت مصرف کنندگان در خصوص خدمات محلی -ارائه خدمات به جامعه با فراهم سازی سیاست ها، خدمات و دانش(رهبر اجتماع)	-بهبود اثر بخشی خارجی مسئولان محلی و بهبود نتایج محلی کیفیت زندگی -جلب اعتماد شهروندان به حکومت محلی از طریق فرایند های شفاف و مسئولیت پذیری و گفت‌وگو دموکراتیک -توانمند کردن انجمن به طرح و مدیریت امور مربوط به خود و همکاری در ایجاد خدمات خود(توسعه دهنده اجتماع)

جدول شماره ۱: حکومت محلی / حکمروایی محلی^۱

۱. تونی، بووارد و لوفلر الکه، حکمروایی خوب شهری، ترجمه اشرف رحیمیان، تهران، موسسه نشر شهر، ۱۳۹۲، ص ۳۱۳

۲. شاخص های حکمروایی خوب محلی

حکمروایی اعمال اقتدار اقتصادی، سیاسی در راستای مدیریت امور کشور در همه سطوح اداری-اجرایی و همچنین، حکمروایی نظام مند است و ساز و کارها، فرآیند ها و موسساتی را در بر می گیرد که از طریق آنها، شهروندان و گروه های مختلف جامعه منافعشان را به هم پیوند زده، حقوقشان را پی گیری، تعهداتشان را حل و فصل می کنند.^۱

۱. United nations development programme(undp). Characteristics of good governance. The urban governance initiative tugi; new York; oxford university press)(۲۰۰۰)P۱

بدین ترتیب برنامه توسعه سازمان ملل متحد بر اساس معیار های مذکور، ابعاد و ویژگی های مختلفی را برای حکمروایی خوب تعیین کرده است که عبارت اند از: «مشارکت مندی^۱، وفاق محوری^۲، پاسخگویی^۳، شفافیت^۴، حاکمیت قانون^۵، کارایی و اثر بخشی^۶، مسئولیت پذیری^۷، عدالت^۸ و دیدگاه راهبردی^۹»^{۱۰}

برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد نیز با پذیرفتن ویژگی های گفته شده، ابعاد مختلفی برای حکمروایی خوب تعریف کرده که شامل پایداری^{۱۱} و واگذاری اداره امور و اختیار تصمیم گیری به پایین ترین سطوح ممکن^{۱۲}، عدالت و انصاف^{۱۳}، شفاف بودن و پاسخگویی^{۱۴}، مشارکت مدنی و شهروندی^{۱۵} و امنیت^{۱۶} می شود. تمامی ویژگی های گفته شده باید به طور هم زمان و تفکیک ناپذیر وجود داشته باشند. هم چنین این برنامه تاکید می کند، حکمروایی مفهومی است که قدرت بیرون و درون نهاد های دولتی را به رسمیت می شناسد و بر فرآیند مناسبات پیچیده میان کنش گران مختلف در رسیدن به مصالحه میان اولویت های گوناگون تاکید می کند.^{۱۷}

بانک جهانی حکمروایی را مجموعه سنت ها و نهاد هایی می داند که از طریق آنها، اقتدار در کشورها جاری می شود و این شامل فرآیندی است که از طریق آن، حکومت انتخاب، نظارت و تعویض می شود، ظرفیتی دولتی که سیاست

۱. Participation

۲. Consensus oriented

۳. Accountability

۴. Transparency

۵. Rule of law

۶. Effectiveness

۷. Responsiveness

۸. Equity

۹. Strategic vision

۱۰. حسین شریف زادگان و همکاران، حکمروایی خوب نهاد سازی برای توسعه: آموزه هایی از سطح ملی تا شهری و تجربه ای از ایران، تهران، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر

تهران، ۱۳۹۴، ص ۳۲

۱۱. Sustainability

۱۲. Subsidiarity

۱۳. Equity

۱۴. Transparency and Accountability

۱۵. Civic Engagement and Citizenship

۱۶. Security

۱۷. UNHabitat. Principle of Good Urban Governance. From: united nations human settlements programme. www.unhabitat.org/campaigns/governance/principles.asp. accessed ۲۰۱۴/۰۸/۱۰

های مناسب و موثر اتخاذ کند و نیز احترامی که شهروندان و حکومت برای نهاد های اداره کننده جامعه دارند. ابعاد و ویژگی های مورد استفاده این موسسه عبارتند از: حاکمیت قانون،^۱ مشروعیت انتخاباتی،^۲ آزادی بیان و فعالیت انجمن ها،^۳ پاسخگویی و شفافیت،^۴ هدایت توسعه مدار،^۵ سازمان اداری با کیفیت و کارآمد.^۶

با مطالعه در ابعاد بررسی شده در منابع مهم از جمله موارد فوق، مهم ترین شاخص ها برای حکمروایی خوب محلی را می توان اینگونه به نگارش در آورد:

۱-۲. تمرکز دایی

عدم تمرکز اداری عبارت از دادن شخصیت حقوقی حقوق عمومی و اختیار تصمیم گیری اداری و اجرایی توسط قدرت مرکزی به واحد های فنی و محلی است، تا آنها امور فنی و محلی مربوط را به طور آزادانه و مستقل ولی زیر نظارت خفیف یا قیمومتی دولت مرکزی انجام داده یا اداره نمایند.^۷

"تمرکز زدایی یعنی شرایطی که واحدهای کوچک تر بتوانند با درجه ای از استقلال کارکنند. تمرکززدایی به معنای تقسیم عمودی یا افقی یک بنگاه بزرگ به گروه های شبه مستقل یا مراکز سود در درون یک ساختار فدرال، یا احتمالا انشعاب به واحدهای تجاری هرچه بیشتر مستقل است."^۸

اصلی ترین اهدافی که در اجرای تمرکز زدایی پیگیری می شوند، عبارتند از: ثبات، مردم سالاری، توسعه اقتصادی.^۹ هم چنین تمرکز زدایی درصدد کاهش هزینه های اداری، شفاف سازی، افزایش مشارکت و پاسخگویی بیشتر به نیازهای مردم است.^{۱۰} تمرکز زدایی که خود یکی از شاخص های حکمروایی خوب است از آن جهت مورد توجه است که با تقسیم واحد های حکومتی به واحد های کوچکتر امکان درگیر نمودن مردم در اداره امور مربوط به محل خویش، مشارکت را بیشتر می کند. به زعم ما ماهیت حکمروایی محلی نمی تواند متفاوت با معانی حکمروایی ملی باشد. لیکن حکمروایی محلی ظرایف و مسائل

۱. Rule of law

۲. Electoral Legitimacy

۳. Freedom of Expression and Association

۴. Accountability and Transparency

۵. Development and Oriented Leadership

۶. Competent and Efficient Administration

۷. بیژن عباسی، حقوق اداری، چاپ سوم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۹۳، ص ۷۲

۸. احمد میدری، جعفر خیر خواه، حکمرانی خوب بنیان توسعه، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۷

۹. Edwin, Connerty, Democratic decentralization programming hand book, Pennsylvania : USAID. (۲۰۰۹) p ۵

۱۰. - میدری، خیر خواه، همان، ص ۲۱۹

جدی تری در اجرا در محدوده منطقه و محل ایجاد می نماید. در واقع تفاوت دو نوع حکمروایی در حوزه اعمال اصول و قواعد می باشد.

۲-۲. آزادی

غایت القصوای تمامی شاخه های حقوق کوشش برای سامان بخشیدن به زندگی فردی یا گروهی آدمیان است. بنابراین اگر هدف حقوق را انسان بماهو انسان بدانیم، می توان تنظیم حقوق و آزادیهای فردی و گروهی را وظیفه جوهری حقوق دانست. به دیگر سخن حق ها و آزادی ها را می توان عصاره تمام مباحث حقوقی دانست. حقوق عمومی نیز مشمول همین تحلیل کلی است.^۱

وجود حقوق فردی و آزادی های عمومی جزء شروط پایه ای حکومت های مردم سالار جدید است. به زبان دیگر زمانی همه مردم می توانند در شکل گیری رژیم ها و حکومت ها مداخله داشته باشند که از این حقوق حداقلی برخوردار گردند.^۲

فضای باز و آزاد سیاسی، همگان مردم را وارد صحنه سیاسی می سازد. از طرف دیگر، افراد را نمی توان در یک قالب فکری مشخص قرار داد. آزادی اندیشه، خود به خود، تنوع اندیشه را به همراه می آورد و خصلت اجتماعی، پیروان هر یک از اندیشه های مشترک را در یک جا متمرکز و کانون های فکری متعددی را به صورت احزاب و گروههای سیاسی، متظاهر می سازد. با قبول اینکه تعدد اندیشه عنصر وجودی یک جامعه است، اتفاق آراء عموم اصولا ممکن نیست. بنابراین، برای تامین حداکثر رضایت عمومی توسل به رای و نظر اکثریت عددی مشارکت کنندگان ملاک عمل قرار می گیرد. اصل اکثریت بیشتر به عنوان یک راه چاره و فرمول برای فیصله امور می باشد تا نتیجه گیری کاملا مطلوب، پس تصمیم اکثریت نباید صدمه ای به اقلیت وارد کند بلکه آنرا به نقطه اکثریت با تفاهم و بی هیچ تحمیلی رهنمون سازد.^۳

۲-۳. برابری:

در تحلیل چیستی و جایگاه برابری در میان دیگر ارزش های انسانی، باید گفت که اندیشه برابری از مهمترین ایده های مطرح در حقوق بشر است و در تمام اسناد حقوق بشری به عنوان ایده نظری مورد تاکید واقع شده است. برابری از یک سو با ارزش هایی نظیر حق و آزادی و از دیگر سو، با ارزش « عدالت » پیوندی ناگسستنی دارد. در یک تعریف کلی و کلاسیک، برابری به معنای رفتار برابر با برابرها در شرایط برابر است.^۴ در تعریف جدید از برابری، توجه به

۱. علی اکبر گرجی از ندریانی، ده فرمان حقوق عموم: تأملی درباره اصول و مفاهیم بنیادین حقوق عمومی، فصلنامه حقوق، دوره ۴۱، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۰، ص ۲۲۰

۲. ابوالفضل قاضی «شریعت بناهی»، بایسته های حقوق اساسی، چاپ بیست و یکم، تهران، نشر میزان، آبان ۱۳۸۴، ص ۱۳۰

۳. محمد هاشمی، حقوق بشر و آزادی های اساسی، چاپ دوم، نشر میزان، بهار ۱۳۹۱، صص ۴۴۱-۴۳۹

۴. محمد قاری سید فاطمی، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر اول، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۸، ص ۶۶

مسئله «تفاوت»^۱ حائز اهمیت است. در توضیح باید اشاره کرد که اگر صاحب حق بودن برخاسته از ذات انسان و لازم و ملزوم انسانیت او باشد، پس نابرابری جسمانی آدمیان از قبیل رنگ چهره، سیمای ظاهر، قد و سایر اختلافات متأثر از نژاد، زبان، محیط زندگی و سنن و آداب ملل و نظایر آن، نمی تواند در حقوق انسانی انسان تاثیر عمده گذارد. از این رو، مسئله اصلی در این میان، نه برابر و یکسان خلق شدن انسان ها که پذیرش یکسان نبودن افراد و لزوم احترام به این یکسان نبودن هاست. در حقیقت، مسئله این است که افراد از جهت تفاوت هایی که کار طبیعت است در معرض تحقیر و تبعیض قرار نگیرند. و از جهت تفاوت هایی که کار طبیعت نیست و حاصل برداشت و تلقی خود آن هاست، کمترین آسیب را در جامعه متحمل شوند.^۲

۲-۴. حاکمیت قانون:

جوهره دستور گرایی کلاسیک با تحقق آرمان حاکمیت قانون (دولت قانونمدار) پیوند خورده است. غایت الفصوای جنبش های دستور گرایی تحدید قدرت و تعریف وضعیتی حقوقی از پیش تعیین شده برای اعمال زمامداری و مدیریت سیاسی است. چارچوب بندی حقوق و تکالیف زمامداران و شهروندان در قالب سندی رسمی و مدون (قانون اساسی) نیز در همین راستا قابل ارزیابی است. گفتمان یا به قولی پارادایم^۳ حاکم بر حقوق عمومی نوین مساله دولت قانونمدار است. مطابق این گفتمان، تمامی مقامات و نهاد های سیاسی باید تابع قواعد حقوقی - بویژه قواعد حامی حقوق بنیادین باشند. هیچ یک از مقام ها و نهاد های سیاسی حق تحدید حقوق و آزادیهای بنیادین را جز در چهارچوب آیین های خاص و پیچیده پیش بینی شده در قوانین ندارند. مفهوم حاکمیت قانون اما در سودای مقید کردن قلمرو اختیارات و صلاحیت های اربابان قدرت به قواعد و حدود از پیش تعیین شده است. بنابراین تحدید قلمرو صلاحیت زمامداران با قواعد حقوقی از پیش تعریف شده بوسیله نمایندگان برخاسته از اراده ملی ضرورتی انکار ناپذیر است.^۴

۲-۵. شفافیت:

این شاخص به عنوان یکی از مشخصه های اصلی حکمروایی خوب محلی مورد تکرار و تاکید نهاد ها و صاحب نظران واقع شده است. شفافیت در جریان آزاد اطلاعات قرار دارد. فرآیند ها، موسسات و اطلاعات می بایست به طور مستقیم و به اندازه کافی در دسترس کسانی قرار گیرد که تصمیم گیری با آنها ارتباط می یابد، تا ذینفعان بتوانند به

۱. Diffrence

۲. محمد علی موحد، در هوای حق و عدالت، تهران، نشر کارنامه، ۱۳۸۱، ص ۲۱۰

۳. Paradigme

۴. علی اکبر گرجی ازندریانی، همان، صص ۲۱۷-۲۱۶

درک و نظارت بر نظام های حاکم پردازند.^۱ و همه مردان و زنان در فرایند تصمیم گیری نقش داشته باشند. چه به صورت مستقیم و یا از طریق نهاد های مشروعی که تمایلات و علایق آنها رایبان می کند.^۲ شفافیت جریان یافتن به موقع و مطمئن اطلاعات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی را امکان پذیر می سازد. ضمن اینکه شفافیت به معنای اعطاء اختیار به شهروندان برای تبدیل شدن به میلیونها حسابرس و ناظر در جامعه است و بر حق اظهار نظر و دسترسی به رسانه های آگاه و آزاد دلالت دارد.^۳

۶-۲. مشارکت

مشارکت مردم در امور عمومی منعطف به تحولات سیاسی و اجتماعی در هر جامعه ی سیاسی محسوب می شود. تجربه نشان داده است که با گذشت زمان این مشارکت همواره افزایش می یابد و با رشد فزاینده ی فکری مردم کیفیت این مشارکت نیز بالایی رود. بدین معنا که مردم علاوه بر انتخاب نمایندگان، خود در متن امور سیاسی نیز وارد می گردند.^۴ تکثرگرایی سیاسی بخش مهمی از مشارکت سیاسی است که تحت عنوان مشارکت غیرمستقیم و نهادمند مردم در سیاست از آن یاد می شود. منظور از تکثرگرایی سیاسی، وجود احزاب، گروه ها و جناح های سیاسی است که «فعالان سیاسی» در قالب این نهادها، به دیدگاه ها و مواضع سیاسی خود سامان می دهند.^۵ این شاخص بصورت گسترده ای بعنوان یکی از ابعاد اساسی حکمروایی خوب پذیرفته شده است.^۶

۷-۲. مسئولیت یا پاسخ گویی:

اصل مسئولیت را می توان به مفهوم لاتین رس پاندر^۷ به معنی پاسخ دادن پیوند داد. مسئولیت، تعهد یا تکلیفی است برای پاسخ گویی در برابر اعمال یا فعالیت های انجام شده و پذیرش پیامد های حاصل از آنها^۸ با این وصف، مفهوم مسئولیت در حقوق عمومی از مفهوم اخلاقی آن متمایز می شود. در حوزه اخلاق، شخص باید در برابر وجدان شخصی یا اجتماعی پاسخگو باشد، درحالی که در حوزه حقوق عمومی شخص باید در برابر مقامات بالاتر یا نهاد

۱. John Graham and others. Principles for Good Governance in the ۲۱ st Century ,Policy Brief No. ۱۵ August ۲۰۰۳. Institute on Governance

۲. John Graham and others. Principles for Good Governance in the ۲۱ st Century ,Policy Brief No. ۱۵ August ۲۰۰۳. Institute on Governance

۳. رحمت اله قلی پور، تحلیل رابطه الگوی حکمرانی خوب و فساد اداری، فرهنگ مدیریت، شماره ۱، ۱۳۸۴، ۱۲۳

۴. محمد هاشمی، همان، ص ۴۳۸

۵. داوود فریحی، مشارکت سیاسی در دولت اسلامی، نامه مفید، شماره ۲۵، ۱۳۸۰، ۳۰

۶. Unhabitat. The global campaign on urban governance; concept paper, 2nd edition, nairobi(۲۰۰۲)-p۸

۷. Responder

۸. De villers m. Dictionnaire de droit constitutionnel. paris. armandcolin. ۲ ed. p ۱۹۶

های خاص پیش بینی شده به پاسخگویی بپردازد. البته تقید زمامدار به پاسخگویی در برابر اعمال خویش می تواند خاستگاه و انگیزه اخلاقی نیز داشته باشد. اما در حوزه حقوق، الزام های اخلاقی محض مورد تضمین قرار نمی گیرند. حالت عکس نیز قابل تصور است، یعنی پاسخگو نبودن زمامداران در حوزه حقوق عمومی می تواند جنبه غیر اخلاقی نیز به خود بگیرد. بدین سان، می توان بر آن شد که مسئولیت عام یا پاسخگویی حقیقی زمامداران در برابر شهروندان یا نمایندگان آنها تنها در آن دسته از نظام های سیاسی امکان پذیر است که مشروعیت حاکمیت در آن ها دارای مبنای مردمی باشد. در نظام های سیاسی مبتنی بر مشروعیت دموکراتیک، الزاما باید از ساز و کار هایی مانند انتخابات، همه پرسی، نظر سنجی از مردم، مشورت گیری در فرایند های تصمیم گیری، و... بهره جست. آشکار است که ماهیت این سازو کار ها به گونه ای است که خود به خود به مسئولیت پذیری زمامداران منتهی می شود.^۱

۲-۸. کارایی و اثربخشی

در حقیقت کارآمدی بیانگر قابلیت و توانایی اداره هر کشور توسط مدیران و کارگزاران شایسته آن است و ایفای بهینه کار ویژه های دولت و کسب حداکثر رضایت مندی مردم را در بر دارد.^۲ «کارایی» در به کارگیری بوروکراسی کارآمد، مدیریت و به کارگیری سیاست های صحیح در خصوص توزیع عادلانه کالا و خدمات و تخصیص منابع تولید، برای استفاده از منابع تولید و صرف حداقل هزینه و کمترین ضایعات برای هر میزان تولید و جلوگیری از فساد می باشد، در حالیکه «کارآمدی» در علم مدیریت در گرو کسب هدف های تعیین شده و رضایت خاطر کسانی می باشد که در راه رسیدن به اهداف نقش دارند.^۳

۲-۹. توانمند سازی:

توانمندسازی عبارت است از گسترش دارایی های و توانایی های افراد فقیر به منظور مشارکت، چانه زنی، تاثیر گذاری، کنترل و حفظ موسسات پاسخگویی که زندگی آنها را تحت تاثیر قرار می دهد.^۴ با توجه به گذار از الگوی فاعلیت مندی ابزاری و اقتصادی به سوی الگوهای ارتباطی و گفتمان کلامی در حکمروایی مطلوب شهری، حضور همه گروه های اجتماعی به منظور پویایی جامعه مدنی ضروری است. پیش شرط این ضرورت، توانمندسازی و ظرفیت سازی اجتماعی-اقتصادی و افزایش قدرت چانه زنی گروه های اجتماعی، مخصوصا اجتماعات فقیر شهری است. ظرفیت سازی در واقع موازی با توسعه منابع انسانی همانند آموزش و مهارت است.^۵

۱. علی اکبر گرجی از ندریانی، همان، صص ۲۱۹-۲۱۸

۲. بهرام اخوان، پاسخگویی و کارآمدی، حکومت اسلامی، شماره ۳۴، ۱۳۸۳، ص ۶۰

۳. Azmat Gani and Ron Duncan, "measuring Good Governance using time series Data", (۲۰۰۷), p. ۳۷۴

۴. Narayan Deepa, Empowerment and Poverty reduction; a source book, the World Bank press. (۲۰۰۲). PP ۱۳-۱۴

۵. Bontenball M.C. (۲۰۰۹), Strengthening urban governance in the South through city – to – city cooperation. Towards an analytical framework, Habitat international, No. ۳۲, p: ۱۸۲

۱۰-۲. وفاق محوری:

تعلق خاطر و تعهد مشترکی است که موجب وحدت اعضای جامعه شده و به آنان هویت جمعی می بخشد، هویتی جمعی که در سطح کلان تر به صورت هویت ملی نمود می یابد.^۱ انسجام و یکپارچگی ملی، بر حس تعلق به یک جامعه ملی دلالت دارد که در موقعیتی خاص جایگزین تعهدات و وفاداری های کوتاه نظرانه می گردد.^۲ در کل منظور از اجماع، اشتراک در عقاید، ارزش ها و هنجارها میان گروههای اجتماعی و باید دقت نمود که اجماع تن ها به واسطه افراد در درون واحد های زندگی اجتماعی مدون است گروه های فعال در هر عرصه ای حاصل نمی گردد، بلکه گروه ها و افرادی که در آن عرصه خاص حضور و مشارکت ندارند، می توانند درباره شیوه توزیع منابع اظهار نظر نمایند. پس اجماع در مفهوم گسترده تر از حدگروه های برگزیده فرا می رود و «افکار عمومی» را نیز در بر می گیرد. حساسیت اخلاقی معمولاً افراد را به داوری درباره صورت بندی نظام اجتماعی و سیاسی واداشته و براساس آن نگرش هایی نسبت به شیوه توزیع منابع شکل می گیرد. شیوه توزیع قدرت به مفهوم کلی کلمه در شکل گیری وفاق و اجماع تاثیر می گذارد و خود موضوع اصلی آن دو یا در صورت فقدان اجماع، موضوع اصلی نزاع و اختلاف است.^۳

۳. گزاره های کلیدی قانون اساسی متضمن الگوواره حکمروایی خوب محلی

بعد از وحدت ملاک از مطالعات و تجارب موجود از حکمروایی خوب محلی ده شاخص را به عنوان الگوواره این نوع از حکمروایی در پژوهش حاضر تبیین نمودیم. به منظور نائل آمدن به درک درست از میزان توجه قانون اساسی به الگوواره مورد نظر عبارات مندرج در اصول ۱۷۷ گانه این قانون برتر در قلمرو قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار می دهیم. بعد از دسته بندی عبارات ذیل شاخص های ده گانه بررسی شده در این مجال تلاش می گردد علاوه بر توجه به کمیت و تکرار تعداد این شاخص ها در قانون اساسی به ماهیت و روح قانون اساسی مد نظر واضعان قانون اساسی نزدیک شویم.

۳-۱. گزاره های کلیدی قانون اساسی متضمن شاخص تمرکز زدایی

- ۱- اصل ۶: در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و...
- ۲- اصل ۷: شوراها..... از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشورند.
- ۳- اصل ۱۲: در هر منطقه ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود.

۱. عبدالعلی قوام و افشین زرگر، دولت سازی، ملت سازی و نظریه روابط بین الملل. تهران، دانشگاه آزاد علوم تحقیقات، ۱۳۸۸، ۶۲.

۲. Smock, David R. and Bentsi-Enchill, Kwamena. The Search for national integration in Africa. New York : Free Press (۱۹۷۶)

۳. حسین بشیریه، درآمدی بر جامعه شناسی اجماع و وفاق، ماهنامه فاقد، سال ۱ شماره ۳، ۱۳۸۳، صص ۷۱-۷۰.

۴-اصل ۱۰۰: برای پیشبرد سریع برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان بانظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می کنند.

۵-اصل ۱۰۱: به منظور جلب همکاری در تهیه برنامه های عمرانی و رفاهی استانها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها، شورای عالی استانها مرکب از نمایندگان شوراهای استانها تشکیل می شود.

۶-اصل ۱۰۲: شورای عالی استانها حق دارد در حدود وظایف خود طرحهایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند.

۷-اصل ۱۰۳: استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می شوند در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند.

۸-اصل ۱۰۴: شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، و در واحد های آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضای این واحد ها تشکیل می شود.

۹-اصل ۱۰۵: تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین باشد.

۱۰-اصل ۱۰۶: انحلال شوراها جز در صورت انحراف از وظایف قانونی ممکن نیست. مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراها و طرز تشکیل مجدد آنها را قانون معین می کند.

۱۰ اصل از قانون اساسی متضمن مفاهیم این شاخص می باشد. اصول ۶، ۷، ۱۲، ۱۰۰ به مشارکت نهاد های عدم تمرکز محلی در اداره و نظارت بر امور و وضع مقررات محلی اختصاص یافته است. به موجب اصل ۱۰۱ شورای عالی استانها از نمایندگان شوراهای فرودست تشکیل (شورای استان که خود متشکل از اعضای منتخب شورای شهرستان و...) شده است. برابر اصل ۱۰۲ شورای عالی استانها در حدود وظایف خود قابلیت ارائه طرح به صورت مستقیم یا از طریق دولت برای تصویب مجلس شورای اسلامی را دارا می باشد. اصل ۱۰۳ را می توان دلیل خروج موضوعی نهاد شورا از بدنه وزارت کشور و استقلال عمل به معنای خروج موضوعی این نهاد از سیستم عدم تراکم (سلسله مراتب اداری و اداره امور محلی توسط مقامات دولت مرکزی مستقر در استان، شهر یا مناطق) و داخل در مفهوم عدم تمرکز محلی دانست. اصل ۱۰۴ نوعی از عدم تمرکز فنی/حرفه ای را به ترسیم نموده است. در نهایت با وجود صراحت اصول ۱۰۵، ۱۰۶ که نوع نظارت حاکم بر شوراها را از نوع نظارت قیموتی یعنی نظارت در حدود قانون و شرع می داند، مواد قانونی مصوب شده از جمله قانون شوراها، امکان تفسیر بر ضرر شوراها و محدود کردن حقوق و اختیارات آن ها را بر خلاف روح قانون اساسی فراهم می نماید، با این نگاه و توجهات و عدم تمایل مقامات حکومت مرکزی به دادن اختیارات قانونی، نظارت بر شوراها، به نظارت های سلیقه ای و شخصی مبدل شده است. در این رویکرد شوراها که برای نظارت تشکیل شده اند خود به نهادی منظور و تحت شدید ترین نظارت ها قرار گرفته اند. بنابراین قانون اساسی به شاخص عدم تمرکز که وجه تمایز محلی بودن حکمروایی (در مقابل ملی بودن) است به صراحت پرداخته و اصول این قانون مادر مشخصه های شاخص عدم تمرکز را تاکید نموده است.

۲-۳. گزاره های کلیدی قانون اساسی متضمن شاخص آزادی

- ۱- اصل ۳: تامین آزادی های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون
 - ۲- اصل ۹: هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند.
 - ۳- اصل ۱۲: پیروان مذاهب دیگر اسلامی در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند.
 - ۴- اصل ۱۳: ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت های دینی شناخته می شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند.
 - ۵- اصل ۲۳: هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.
 - ۶- اصل ۲۴: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند.
 - ۷- اصل ۲۵: بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است.
 - ۸- اصل ۲۶: احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند.
 - ۹- اصل ۲۷: تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل مبانی اسلام نباشد آزاد است.
 - ۱۰- اصل ۲۸: هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است... برگزیند.
 - ۱۱- اصل ۳۳: هیچ کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت.
 - ۱۲- اصل ۴۳: رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین.
 - ۱۳- اصل ۷۹: برقراری حکومت نظامی ممنوع است.
 - ۱۴- اصل ۱۵۴: جمهوری اسلامی ایران... استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می شناسد.
 - ۱۵- اصل ۱۵۶: احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع
 - ۱۶- اصل ۱۷۵: در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.
- جمعا ۱۶ بار شاخص آزادی مورد توجه قانون اساسی قرار گرفته است. اصل ۳ تامین آزادی های اجتماعی و سیاسی تضمین شده است. در اصل ۹ آزادی های مشروع مورد تضمین واقع شده است. اصل ۱۲ مذاهب اسلامی در انجام مراسم مذهبی به رسمیت شناخته شده اند. اصل ۱۳ اعمال زرتشتیان، کلیمیان و مسیحیان را در امور دینی خویش به رسمیت شناخته که مفهوم مخالف این اصل می تواند بار منفی در مفهوم آزادی برای سایر ادیان به همراه داشته باشد. در اصول ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۱۷۵، ۲۴، ۲۳ به آزادی عقیده و بیان پرداخته شده است. در ادامه اصول ۲۶، ۲۷ به آزادی های گروهی تاکید دارند. آزادی اشتغال در اصل ۴۳ و ۲۸ مورد اشاره قانونگذار اساسی قرار گرفته است. اصل ۳۳ در خصوص آزادی

انتخاب محل سکونت می باشد. اصول ۱۵۶، ۱۵۴ و ۷۹ نیز به نوعی تضمین کلی آزادی ها را مورد حمایت قرارداده است. از اینرو آزادی در جنبه ها و زوایای مختلف آن تا حدود زیادی مورد توجه واضعان قانون اساسی قرار گرفته است. احترام به آزادی های افراد، گروه ها، ادیان، مذاهب و اقوام مختلف در قانون اساسی زمینه مشارکت حداکثری مردم و حاکمیت قانون را تسهیل نموده است.

۳-۳. گزاره های کلیدی قانون اساسی متضمن شاخص برابری:

- ۱-مقدمه: تامین امکانات مساوی کار برای همه
 - ۲-اصل ۲: نظام جمهوری اسلامی قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تامین می کند.
 - ۳-اصل ۳: تامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون ...
 - ۴-اصل ۱۹: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند.
 - ۵-اصل ۲۰: همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند.
 - ۶-اصل ۲۸: دولت موظف است ... شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.
 - ۷-اصل ۲۹: دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمد های حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تامین کند.
 - ۸-اصل ۳۰: دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت فراهم سازد.
 - ۹-اصل ۳۴: دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند اینگونه دادگاه ها را در دسترس داشته باشند.
 - ۱۰-اصل ۴۸: در بهره برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استانها و توزیع فعالیتهای اقتصادی میان استانها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض درکار نباشد.
 - ۱۱-اصل ۱۰۱: به منظور جلوگیری از تبعیض.... در تهیه برنامه های عمرانی و رفاهی استانها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها، شورای عالی استانها مرکب از نمایندگان شوراهای استانها تشکیل می شود.
 - ۱۲-اصل ۱۰۴: به منظور تأمین قسط اسلامی و در تهیه برنامه ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضاء این واحدها تشکیل می شود.
 - ۱۳-اصل ۱۴۷: دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کار های امدادی، آموزشی، تولیدی و جهاد سازندگی، با رعایت موازین عدل اسلامی استفاده کند.
- این شاخص با احتساب مقدمه، ۱۳ مرتبه در قانون اساسی گنجانده شده است. برابری اشتغال ۳ اصل (مقدمه و اصل ۲۸، ۱۰۴)، برابری فراگیر یا همه گیر در ۱۴ اصل (۳۴ و ۲۹، ۳۰، ۲)، تعمق در برخورداری از برابری در عین وجود تفاوت

جنسیتی یا قومی / قبیله ای در اصول ۹ و ۳ مورد توجه است. ۲ اصل (۱۰۱ و ۴۸) به برابری مناطق مختلف پرداخته است. و اصل ۲۰ به برابری در جنسیت هم چنین اصل ۱۴۷ حاوی مضمون برابری در برخورداری از امکانات ارتش اختصاص یافته است.

۳-۴. گزاره های کلیدی قانون اساسی متضمن شاخص حاکمیت قانون:

۱- مقدمه: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیانگر نهاد ها و راهگشای تحکیم پایه های حکومت اسلامی و ارائه دهنده طرح نوین حکومتی.

۲- اصل ۷: موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می کند.

۳- اصل ۸: شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند.

۴- اصل ۳۲: هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین میکند.

۵- اصل ۳۳: مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.

۶- اصل ۳۶: حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

۷- اصل ۴۴: تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می کند.

۸- اصل ۵۱: هیچ نوع مالیات وضع نمی شود مگر به موجب قانون، موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می شود.

۹- اصل ۵۲: بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می گردد. هر گونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود.

۱۰- اصل ۵۳: کلیه دریافت های دولت در حساب های خزانه داری کل متمرکزی شود و همه پرداختها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می گیرد.

۱۱- اصل ۵۴: دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی می باشد. سازمان و اداره امور آن در تهران و مراکز استانها به موجب قانون، تعیین خواهد شد.

۱۲- اصل ۵۵: دیوان محاسبات به کلیه حسابهای وزارتخانه ها، مؤسسات، شرکتهای دولتی و سایر دستگاه هایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می کنند به ترتیبی که قانون مقرر می دارد رسیدگی یا حسابرسی می نماید که هیچ هزینه ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حسابها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع آوری و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می نماید.

۱۳- اصل ۶۲: شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.

۱۴- اصل ۶۴: محدوده حوزه های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون معین می کند.

۱۵- اصل ۷۱: مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می تواند قانون وضع کند.

- ۱۶- اصل ۱۰۰: شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید... قانون معین می‌کند.
- ۱۷- اصل ۱۰۱: نحوه تشکیل و وظایف این شورا را قانون معین می‌کند.
- ۱۸- اصل ۱۰۴: چگونگی تشکیل این شوراها و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین می‌کند.
- ۱۹- اصل ۱۰۶: مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراها و طرز تشکیل مجدد آنها را قانون معین می‌کند.
- ۲۰- اصل ۱۱۶: نحوه برگزاری انتخاب رئیس جمهوری را قانون معین می‌کند.
- ۲۱- اصل ۱۳۳: تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را قانون معین می‌کند.
- ۲۲- اصل ۱۴۹: ترفیع درجه نظامیان و سلب آن به موجب قانون است.
- ۲۳- اصل ۱۵۰: قلمرو مسئولیت این سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو مسئولیت نیروهای مسلح دیگر با تاکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنها به وسیله قانون تعیین می‌شود.
- ۲۴- اصل ۱۵۹: تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.
- ۲۵- اصل ۱۶۳: صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود.
- ۲۶- اصل ۱۶۶: احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.

این شاخص با ۲۶ تکرار، پرتکرارترین شاخص قانون اساسی می‌باشد. می‌توان نتیجه گرفت دغدغه اصلی واضعان قانون اساسی تاکید بر حاکمیت قانون به منظور تضمین سایر شاخص‌های حکمروایی بوده است. چرا که بدون حکومت قانون به معنای واقعی دم زدن از سایر شاخص‌ها نتیجه مثبتی در پی نخواهد داشت و به نوعی به فرد محوری یا خارج شدن از شاخص‌های حکمروایی خوب منجر خواهد شد. در این مجال ۳ زیر شاخص چهارچوب بندی حقوقی، فراگیری قانون و قانون گذاری غیر مستقیم (به نمایندگی از مردم) ذیل حاکمیت قانون بررسی و تقسیم بندی نموده ایم. چهارچوب بندی حقوقی از پیش تعیین شده به عنوان یکی از شروط اصلی حکمروایی خوب به کرات در مقدمه و اصول (۱۶۳، ۱۵۹، ۱۵۰، ۱۴۹، ۱۳۳، ۱۱۶، ۱۰۶، ۱۰۴، ۱۰۱، ۱۰۰، ۵۴، ۷۸) تکرار شده است. فراگیری قانون در اصول (۱۶۶، ۶۴، ۶۲، ۵۵، ۵۳، ۵۲، ۵۱، ۴۴، ۳۶، ۳۳، ۳۲) گنجانده شده است. در اصل ۷۱ نیز قانونگذاری غیرمستقیم (به نمایندگی از مردم) مورد تقنین قانونگذار اساسی واقع شده است.

۳-۵. گزاره های کلیدی قانون اساسی متضمن شاخص شفافیت:

- ۱- اصل ۵۵: ... این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.
- ۲- اصل ۶۹: مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود.
- ۳- اصل ۹۰: در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.

این شاخص کمترین تکرار را در بین شاخص‌های حکمروایی خوب مورد بررسی در قانون اساسی دارد. اما این به معنای عدم توجه به این شاخص مهم نمی‌باشد. چرا که اصول (۵۵،۶۹،۹۰) در امور مهمی چون گزارش تفریغ بودجه، مذاکرات مجلس شورای اسلامی و شکایات مطروحه در کمیسیون اصل ۹۰ تکلیف به شفاف‌سازی دارد. از این طریق ضمن تجویز تسهیل جریان آزاد اطلاعات، میلیون‌ها شهروند تبدیل به حسابرس و ناظر بر اعمال حکومت می‌شوند.

۳-۶. گزاره‌های کلیدی قانون اساسی متضمن شاخص مشارکت:

- ۱- مقدمه: ملت ایران بطور یکپارچه با اکثریت ۹۸/۲ درصد به نظام جمهوری اسلامی ایران رای مثبت داد....
- ۲- اصل ۱: اکثریت ۹۸/۲ درصد کلیه کسانی که حق رای داشتند به جمهوری اسلامی رای مثبت دادند.
- ۳- اصل ۳: مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش....
- ۴- اصل ۶: در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود. (از راه انتخابات یا همه‌پرسی)
- ۵- اصل ۴۴: نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.
- ۶- اصل ۵۰: در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسلهای بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد.
- ۷- اصل ۵۹: در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال‌قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد.
- ۸- اصل ۶۲: مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد.
- ۹- اصل ۶۳: دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهار سال است. انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود به طوری که کشور در هیچ‌زمان بدون مجلس نباشد.
- ۱۰- اصل ۶۴: عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی دویست و هفتاد نفر است و از تاریخ همه‌پرسی سال یکهزار و سیصد و شصت و هشت هجری شمسی پس از هرده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر بیست نفر نماینده می‌تواند اضافه شود. زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند.
- ۱۱- اصل ۸۰: گرفتن و دادن وام یا کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای اسلامی باشد.
- ۱۲- اصل ۸۲: استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است، مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی
- ۱۳- اصل ۱۰۱: به منظور جلب همکاری در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استانها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها، شورای عالی استانها مرکب از نمایندگان شوراهای استانها تشکیل می‌شود.

۱۴- اصل ۱۰۲: شورای عالی استانها حق دارد در حدود وظایف خود طرحهایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند.

۱۵- اصل ۱۰۴: به منظور همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضاء این واحدها تشکیل می شود.

۱۶- اصل ۱۰۷: پس از مرجع عالیقدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی "قدس سره الشریف" که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است. خبرگان رهبری درباره همه فقها واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می کنند؛ هر گاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب می کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می نمایند.

۱۷- اصل ۱۱۴: رئیس جمهور برای مدت چهار سال با رای مستقیم مردم انتخاب می شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است.

۱۸- اصل ۱۱۶: نامزدهای ریاست جمهوری باید قبل از شروع انتخابات آمادگی خود را رسماً اعلام کنند. نحوه برگزاری انتخاب رئیس جمهوری را قانون معین می کند.

۱۹- اصل ۱۱۷: رئیس جمهور با اکثریت مطلق آراء شرکت کنندگان انتخاب می شود.

۲۰- اصل ۱۷۷: - مصوبات شورا پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آراء عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت کنندگان در همه پرسی برسد.

دومین شاخص پرتکرار با ۲۰ تکرار، شاخص مشارکت می باشد. قانون اساسی مشارکت از طریق انتخابات یا همه پرسی را در مقدمه و ۱۱۰ اصل (۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۴، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۵۹، ۶) ترسیم نموده است. در ۶ اصل (۱۰۷، ۱۰۴، ۱۰۲، ۱۰۱، ۸۲، ۸۰) نیز به مشارکت غیر مستقیم یا نمایندگی از مردم آمده است. در ادامه اصول ۵۰ و ۴۴، ۳ نیز حاوی این شاخص می باشند. به واقع این میزان توجه قانونگذار اساسی ما به مشارکت مردم، تاثیر بسزا و عمده ای را در ورود حداکثری مردم به متن امور سیاسی و تمهید مقدمات حکمروایی خوب دارد.

۳-۷. گزاره های کلیدی قانون اساسی متضمن شاخص مسئولیت و پاسخگویی:

۱- اصل ۸: در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت.

۲- اصل ۳۲: متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می شود.

- ۳- اصل ۷۰: رئیس‌جمهور و معاونان او و وزیران به اجتماع یا به انفراد حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارند و می‌توانند مشاوران خود را همراه داشته‌باشند و در صورتی که نمایندگان لازم بدانند، وزراء مکلف به حضورند.
- ۴- اصل ۷۶: مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد.
- ۵- اصل ۸۴: هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است.
- ۶- اصل ۸۷: رئیس‌جمهور برای هیئت وزیران پس از تشکیل و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رای اعتماد بگیرد...
- ۷- اصل ۸۸: در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس‌جمهور و یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول، درباره‌یکی از وظایف آنان سوال کنند، رئیس‌جمهور یا وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سوال جواب دهد.
- ۸- اصل ۸۹: نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیأت وزیران یا هر یک از وزراء را استیضاح کنند... و در صورتی که مجلس مقتضی بداند اعلام رأی عدم اعتماد خواهد کرد. اگر مجلس رأی اعتماد نداد هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل می‌شود. در هر دو صورت وزراءی مورد استیضاح نمی‌توانند در هیأت وزیرانی که بلافاصله بعد از آن تشکیل می‌شود عضویت پیدا کنند....
- ۹- اصل ۹۰: هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته‌باشد، می‌تواند شکایت خود را کتبا به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد.
- ۱۰- اصل ۱۱۱: هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود، یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم است.
- ۱۱- اصل ۱۲۲: رئیس‌جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است.
- ۱۲- اصل ۱۳۳: وزراء توسط رئیس‌جمهور تعیین و برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند.
- ۱۳- اصل ۱۳۴: رئیس‌جمهور در برابر مجلس مسئول اقدامات هیأت وزیران است.
- ۱۴- اصل ۱۳۶: رئیس‌جمهور می‌تواند وزراء را عزل کند.
- ۱۵- اصل ۱۳۷: هر یک از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در برابر رئیس‌جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، مسئول اعمال دیگران نیز هست.
- ۱۶- اصل ۱۴۲: دارایی رهبر، رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران و همسران و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس‌جمهور قضائیه رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق افزایش نیافته باشد.

۱۷- اصل ۱۷۱: هر گاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود.

۱۸- اصل ۱۷۴: بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه های اداری سازمانی به نام سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می کند.

سومین شاخص پر تکرار با ۱۸ تکرار شاخص مسئولیت و پاسخگویی می باشد. به نظر واضعان قانون اساسی ما تاکید بر مسئولیت و پاسخگویی زمامداران راهی در مسیر حکمروایی و مقبولیت حکومت می باشد. سپس به زیبایی و با ظرافت مسئولیت های متعددی را برای عهده داران حکومت در نظام اسلامی وضع شده است.

اصول متعددی (۱۳۷، ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۲۲، ۱۱۱، ۹۰، ۸۹، ۸۸، ۸۷، ۸۴، ۷۶، ۷۰) چگونگی مسئولیت و پاسخگویی سیاسی را ترسیم نموده اند. دیگر اصول متضمن شاخص مسئولیت و پاسخگویی نیز به ترتیب، (۱۷۴، ۱۷۱، ۱۴۲، ۱۳۶، ۱۳۲، ۸) می باشند.

۸-۳. گزاره های کلیدی قانون اساسی متضمن شاخص کارآیی و اثربخشی:

۱- مقدمه: نظام بوروکراسی که زائیده حاکمیت طاغوتی است، طرد خواهد شد تا نظام اجرایی با کارآیی بیشتر و سرعت افزون تر در اجرای تعهدات اداری بوجود آید.

۲- اصل ۳: ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور.

۳- اصل ۴۳: منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه گذاری، تولید، توزیع و خدمات.

۴- اصل ۴۴: نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است.

مقدمه و ۳ اصل (۴۴، ۴۳، ۳) قانون اساسی حاوی مضامین این شاخص می باشد. این اصول ایجاد زیرساخت های مناسب اداری، اقتصادی صحیح به منظور نیل به حداکثر کارآیی و جلب رضایت مردم را در بر می گیرد.

۹-۳. گزاره های کلیدی قانون اساسی متضمن شاخص توانمند سازی:

۱- مقدمه: تامین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیاز های ضروری جهت استمرار حرکت تعاملی.

۲- اصل ۳: بالابردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر....

- ۳- اصل ۲۱: ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او...
- ۴- اصل ۲۸: دولت موظف است... برای همه افراد امکان اشتغال به کار ایجاد نماید.
- ۵- اصل ۲۹: برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی
- ۶- اصل ۳۰: دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.
- ۷- اصل ۳۱: داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمند ترند به خصوص روستا نشینان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.
- ۸- اصل ۴۳: -تامین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه و ...
- ۹- اصل ۴۸: به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.
- ۹ تکرار در اصول ۱۷۷ گانه قانون اساسی سهم توجه واضعان قانون اساسی به شاخص توانمندسازی می باشد. این اصول افزایش توانایی‌ها و دارایی‌های افراد جامعه را مد نظر دارد چرا که از این طریق زمینه‌های مشارکت و حضور گروه‌های اجتماع مورد ظرفیت‌سازی قرار می‌گیرد.

۳-۱۰. گزاره‌های کلیدی قانون اساسی متضمن شاخص وفاق محوری:

- ۱- مقدمه: قانون اساسی جمهوری اسلامی، انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می باشد.
- ۲- اصل ۱: ملت ایران براساس اعتقاد دیرینه اش به جمهوری اسلامی رای مثبت داد.
- ۳- اصل ۱۱: همه مسلمانان یک امتند.
- ۴- اصل ۵۶: هیچکس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می آید اعمال می کند.
- ۵- اصل ۱۰۰: با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد. مقدمه و چهار اصل (۱۰۰، ۵۶، ۱۱، ۱) به شاخص وفاق محوری تعلق دارد. در مجموع ۵ تکرار در ۸۳ تکرار شاخص‌های حکمروایی در قانون اساسی تاکید بر وفاق محوری دارند. توزیع منابع و قدرت سیاسی می بایست، در راستای تحقق حس همدلی و وحدت همگانی مدنظر قانون اساسی صورت پذیرد.

نتیجه گیری:

امروزه در مطالعات مهم سازمان های بین المللی و علمی معتبر، حکمروایی خوب محلی به عنوان فرآیندی نظام مند که با مشارکت تمامی بخش های جامعه به توسعه پایدار شهری می انجامد، شناخته می شود. با وحدت ملاک از این مطالعات و منابع مهم، شاخص های ۱- تمرکز زدایی ۲- آزادی ۳- برابری ۴- حاکمیت قانون ۵- شفافیت ۶- مشارکت ۷- مسئولیت و پاسخ گویی ۸- کارآیی و اثر بخشی ۹- توانمند سازی ۱۰- وفاق محوری را به عنوان شاخص های اصلی حکمروایی خوب محلی مورد بررسی قرار دادیم. سپس متن قانون اساسی به عنوان مهمترین سند حقوقی و سیاسی کشور در تطبیق با الگوواره حکمروایی خوب محلی بررسی شد. در ادامه مشخص گردید شاخص های حکمروایی خوب محلی ۱۲۴ مرتبه در مقدمه و ۸۲ اصل از ۱۷۷ اصل قانون اساسی مورد توجه واقع شده اند. از میان شاخص های بررسی شده حاکمیت قانون (۲۶ تکرار)، مشارکت (۲۰ تکرار)، پاسخگویی و مسئولیت (۱۸ تکرار) بیشترین تکرار را داشته اند. از اینرو رویکرد قانون اساسی جلب مشارکت مردم در چارچوب قانون و الزام بدنه حکومت به پاسخگویی و مسئولیت بوده است. هم چنین تمرکز زدایی با ۱۰ تکرار، ششمین شاخص پر تکرار و شکل دهنده مفهوم محلی بودن حکمروایی خوب از منظر قانون اساسی است. در نگاه ویژه قانون اساسی، تحقق حاکمیت ملی در گرو استقرار نظام حکمروایی محلی از کوچکترین واحد های تقسیمات کشوری و شهری می باشد. در واقع مشارکت در واحدهای خرد محلی می تواند به مشارکت حداکثری مردم و مسئولیت پذیری نهادهای ملی و محلی در سطح محلی، منطقه ای، استانی و ملی منجر شود. شوراها به عنوان نهادی غیر متمرکز مد نظر قانون اساسی جهت اداره امور و نظارت بر امور محلی تاسیس شده اند. وفق قانون اساسی نظارت حاکم بر شوراها از نوع نظارت قیمومتی یعنی نظارت در حدود قانون می باشد. علیرغم آن قانون شوراها، امکان تفسیر مغایر قانون اساسی و موجبات محدود نمودن اختیارات این نهاد را فراهم آورده است. این مهم با برداشت های سلیقه ای و شخصی مقامات دولت مرکزی سبب اعمال محدودیت های متناقض با الگوواره حکمروایی خوب محلی ترسیم شده قانون اساسی را موجب شده است.

منابع:

الف- فارسی

- ۱- اخوان بهرام، پاسخگویی و کارآمدی، حکومت اسلامی، شماره ۳۴، ۱۳۸۳
- ۲- بشیریه حسین، درآمدی بر جامعه‌شناسی اجماع و وفاق، ماهنامه فاقد، سال ۱ شماره ۳، ۱۳۸۳
- ۳- بووارد تونی و الکه لوفلر، حکمروایی خوب شهری، ترجمه اشرف رحیمیان، تهران، موسسه نشر شهر، ۱۳۹۲
- ۴- برک پور ناصر و همکاران، حکمروایی شهری، مبانی نظری و ضرورت‌های شکل‌گیری آن در ایران، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۲۰-۱۹، ۱۳۸۶
- ۵- رستگارحامد و محملمی حمیدرضا، حکمروایی خوب ابزاری برای تغییر کارکرد شهرداری‌ها، همایش نقش و جایگاه مدیریت محله و شورایی‌ها در ارتقای مشارکت اجتماعی، ۱۳۸۹
- ۶- شریف زادگان حسین و همکاران، حکمروایی خوب نهادسازی برای توسعه: آموزه‌هایی از سطح ملی تا شهری و تجربه ای از ایران، تهران، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، ۱۳۹۴
- ۷- عباسی بیژن، حقوق اداری، چاپ سوم، تهران، نشر دادگستری، ۱۳۹۳
- ۸- عسگری علی، طرح طراحی نظام جامع مدیریت مجموعه‌های شهری کشور، پژوهشکده شهری و روستایی، مرحله اول، ۱۳۷۸
- ۹- فیرحی داوود، مشارکت سیاسی در دولت اسلامی، نامه مفید، شماره ۲۵، ۱۳۸۰
- ۱۰- قاری سید فاطمی محمد، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر اول، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۸
- ۱۱- قاضی «شریعت پناهی»، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ بیست و یکم، تهران، نشر میزان، آبان ۱۳۸۴

- ۱۲- قلی پور رحمت اله، تحلیل رابطه الگوی حکمرانی خوب و فساد اداری، فرهنگ مدیریت، شماره ۱، ۱۳۸۴
- ۱۳- قوام عبدالعلی و زرگر افشین، دولت سازی، ملت سازی و نظریه روابط بین الملل. تهران، دانشگاه آزاد علوم تحقیقات، ۱۳۸۸
- ۱۴- گرجی ازندریانی علی اکبر، ده فرمان حقوق عموم: تأملی درباره اصول و مفاهیم بنیادین حقوق عمومی، فصلنامه حقوق، دوره ۴۱، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۰
- ۱۵- موحد محمد علی در هوای حق و عدالت، تهران، نشر کارنامه، ۱۳۸۱
- ۱۶- میدری احمد و خیر خواه جعفر، حکمرانی خوب بنیان توسعه، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳
- ۱۷- هاشمی محمد، حقوق بشر و آزادی های اساسی، چاپ دوم، نشر میزان، بهار ۱۳۹۱
- ب- خارجی

۱-Gani, A., & Duncan, R. (۲۰۰۷). Measuring good governance using time series data: Fiji Islands. *Journal of the Asia Pacific Economy*, 12(۳), ۳۶۷-۳۸۵.

۲- Bontenbal, M. C. (۲۰۰۹). Strengthening urban governance in the South through city-to-city cooperation: Towards an analytical framework. *Habitat International*, 33(۲), ۱۸۱-۱۸۹.

۳- Rakodi, C. (۲۰۰۱). Forget planning, put politics first? Priorities for urban management in developing countries. *International Journal of Applied Earth Observation and Geoinformation*, 3(۳), ۲۰۹-۲۲۳.

۴- Le Divellec, A., & De Villiers, M. (۲۰۱۷). *Dictionnaire du droit constitutionnel*.

۵- Edwin, Connerty, Democratic decentralization programming handbook, Pennsylvania : USAID, ۲۰۰۹

۶- Graham, J., Plumptre, T. W., & Amos, B. (۲۰۰۳). Principles for good governance in the ۲۱st century. Graham John, Amos Bruce and Plumptre Tim, Principles for Good Governance in the ۲۱ st Century, Policy Brief No. ۱۵, , ۲۰۰۳

۷- Graham, J., Plumptre, T. W., & Amos, B. (۲۰۰۳). Principles for good governance in the ۲۱st century. John Graham and others. Principles for Good Governance in the ۲۱ st Century, Policy Brief. Institute on Governance, No. ۱۵ August ۲۰۰۳

۸- Tendler, J. (۱۹۹۷). *Good government in the tropics*. Johns Hopkins University Press.

۹- Miller, W., Dickson, M., & Stoker, G. (۲۰۰۰). *Models of local governance: public opinion and political theory in Britain*. Springer.

millier.w models of local governance: public opinion and political theory in britian, ۲۰۰۱

۱۰ Narayan-Parker, D. (Ed.). (۲۰۰۲). *Empowerment and poverty reduction: A sourcebook*. World Bank Publications.

۱۱-Rahimi, R., & Shakeri, H. (۲۰۱۶). Reflection on judicial system's corruption and offering solutions to promote its safety. *J. Pol. & L.*, 9, ۱۸۷.

Roohollah Rahimi, Roohollah & shakeri hamid. Reflection on corruption of judicial system and offer solutions for its health promotion. journal Internationalpolitical and law. Vol.۲.No.۲۷, ۲۰۱۶

۱۲- Sadashiva, M. (۲۰۰۷). *Effects of civil society on urban planning and governance in Mysore, India* (Doctoral dissertation, Technical University of Dortmund).

۱۳- Smock, D. R., & Bentsi-Enchill, K. (Eds.). (۱۹۷۶). *The search for national integration in Africa*. New York: Free Press.

Smock, David R. and Bentsi- Enchill, Kwamena. The Search for national integration in Africa. New York : Free Pre, ۱۹۷۶

۱۴-

UN Habitat(۲۰۱۲). Principle of Good urban governance. From: united nations human settlements,programme.www.unhabitat.org/campaigns/governance/principles.asp.accessed۲۰۱۴/۰۸/۱۰.

۱۵- Habitat, U. N. (۲۰۰۲). The global campaign on urban governance: concept paper. *Nairobi, Kenya: United Nations Human Settlements Programme (UN-Habitat)*.

Un habitat. The global campaign on urban governance; concept paper, ۲nd edition, Nairobi, ۲۰۰۲

۱۶-

United nations development programme (undp). Characteristics of good governance. The urban governance initiative tugi ; new York; oxford university press, ۲۰۰۰